

استاد عماد فیض آبادی



بایه دهم

دوره دوم متوسطه

ادبیات و علوم انسانی
علوم و معارف اسلامی

۱۱۰۲۰۳

علوم و فنون ادبی (۱)





۱- مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید؟

هر چیزی که ذهن ما را به پویایی در آورد متن است. در این کتاب، مقصود از متن، آثار شعر و نثر فارسی است. برای نمونه کتاب‌ها معمولاً متن دیداری هستند و اگر خواننده شوند به آن‌ها متن‌های شنیداری یا خوانداری می‌گویند. صداهایی که می‌شنویم (شنیداری)، بویی که حس می‌کنیم (بویایی)، مزه‌ای که می‌چشیم (چشایی) و... نیز متن محسوب می‌شوند.

۲- یکی از آسانترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟

متن از سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی، فکری.

۳- با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره‌ی محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.

آب را گل نکنیم / در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب / یا که در بیشه‌دور، سیره‌ای پر می‌شوید / یا در آبادی
کوزه‌ای پر می‌گردد / آب را گل نکنیم، شاید این آب روان می‌رود پای سپیداری تا فرو شوید اندوه دلی، دست
درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب...

«سهراب سپهری»

(ان‌الماء اول ما خلق الله) آب اولین چیزی بود که خدا آفرید.

آب از سرچشمه روشن و زلال سرچشمه می‌گیرد و شاعر خطاب به همگان می‌گوید این آب زلال و پاک است ما این آب را گل آلود نکنیم زیرا ممکن است در پایین این رود کبوتری در حال نوشیدن آب باشد شاید در پایین‌تر سیره‌ای پرهای خود را در آب می‌شوید شاید در آبادی پایین رود یک نفر روستایی کوزه خود را از آب پر می‌کند تا آن را برای اهل خانه برد. با این اوصاف نباید آب را گل کنیم. زیرا ممکن است این آب سوال و در حال حرکت به سوی سپیداری می‌رود تا خود را به آن برساند. شاید این آب با تمام زلالی‌اش اندوه دلی را از بین می‌برد و به جای آن شادی و نشاط را جایگزین می‌کند. در پایین دست این آب شاید درویش و انسان فقیری تکه نان خشکی را درون آب فرو برده است. تا پس از نرم کردن آن، آن را بخورد.

شعر با تمام سادگی که در آن به چشم می‌خورد، دارای روح گسترده و جهان‌برتری است. در این شعر کوتاه شاعر از شهر گمشده و سرزمین آرمانی‌اش سخن می‌گوید. این جهان در نظر او یک روستا است. آب تمثیلی است برای تمام زندگی، گل نشانه نادرستی و کژی است. اکنون شاعر در مقام یک مرشد به همگان می‌گوید. ای مردم زندگی را با ارزش بیندازید و به آن ارج بگذارید و با چیزهای آلوده‌کننده و فاسد آن را آلوده نکنید. زیرا انسان‌هایی

وجود دارند که زندگی را دوست داشته و به این زندگی دل خوش هستند. شاعر ما را به آشتی و صلح با طبیعت دعوت می کند. (ذهنی - شادی گرا - اختیارگرا - خوش بینی - فلسفی)

۴- در خوانش شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

نهنگی بچه خود را چه خوش گفت
به موج آویز و از ساحل پیر هیز

به دین ما حرام آمد کرانه
همه دریاست ما را آشیانه

«اقبال لاهوری»

-نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام «برای کشف لحن» (که لحن شعر روایی - داستانی است)
-یک باره خواندن تمام شعر بدون گسست

۵- سروده زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی «کنایه، تشبیه، تشخیص، مثل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایدش
خُرده ای از مال دنیا در بساط هر که هست

هر که می خواهد که از سنجیده گفتاران شود
صبر بر جور فلک کن تا بر آبی رو سفید

قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن

خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدش
جبهه وا کرده ای پیوسته چون گل بایدش

بر زبان، بند گرا نی از تأمل با یدش
دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش

از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدش

«صائب تبریزی»

بیت اول: چون توکل تشبیه لب خندان گل تشخیص گل و گلشن مراعات نظیر

بیت دوم: تشبیه جبهه (پیشانی) به گل جبهه وا کردن : کنایه از گشاده رویی

بیت سوم: بند گران به زبان داشتن کنایه از سکوت کردن

بیت چهارم: روسفید شدن کنایه / فلک تشخیص / مصرع دوم : ضرب المثل

بیت پنجم: قطره آب، ابر، دریا: مراعات نظیر / قطره آبی که دارد در نظر : تشخیص

۶- با توجه به متن زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید

شنیدم که خلیف های خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندا نهی او بیرون افتادی به یک بار بامداد، خوابگزاری را بخواند و پرسید که: «تعبیر این خواب چیست؟»

مُعبّر گفت: «زندگانی امیر، دراز باد، همه اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که کس از تو باز نماند.»

خلیفه گفت: «این مرد را صد چوب بزیند؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟! چه اگر همه اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن گاه، من که باشم؟!»

خوابگزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت. خوابگزار گفت: « بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگان یتر از همه اقربای خویش بود. »

خلیفه گفت: «تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید. »

قابوس نامه

الف دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

۱- کاربرد «ی» استمراری در آخر فعل به جای «می» استمراری در اول فعل « پنداشتی (می پنداشت) ۲- کاربرد دستور تاریخی نمونه کاربرد «اندر روی» به جای «رو در رو» ۳- استفاده از واژه ی عربی «اقربا» به جای نزدیکان ۴- سادگی و روانی جملات ۵- کاربرد جمله های کوتاه : خوابگزاری دیگر بیاوردند

ب- چه عاملی سبب شد خلیفه ، رفتاری متفاوت با دو خوابگزار داشته باشد ؟

تفاوت در شیوه بیان ، توجه به موقعیت و مقتضای سخن ، انتخاب و گزینش کلمات و اصل بلاغت موجب شد خلیفه از دو گفته ، برداشت هایی متفاوت داشته باشد.

۷- حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری، بررسی کنید.

*روزی شخصی پیش بهلول، بی ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟

او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند .

گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته اند ، اما لگد کم خورده است ! « لطایف الطوایف »

قلمرو ادبی: آب و گل مراعات نظیر / بی ادب، ادب : تضاد / آب و گل مجاز از وجود انسان / بهلول : تلمیح / آب و گل تو را نیک سرشته اند... ضرب المثل

قلمرو فکری: در این حکایت نگرش تعلیمی حاکم است و نویسنده برای بیان مقصود خود «تربیت صحیح» نکته

ای را یاد آور می شود که خداوند اصل و سرشت نیکو به انسان می دهد، منتهی باید آن را خوب پرورش داد.

(مفهوم را نویسنده به چاشنی طنز آمیخته است.)



۱- نمونه های زیر را بخوانید به آن ها را از دید آهنگ و موسیقی با هم مقایسه کنید و تفاوت آن ها را بیان کنید

(الف)

ای ساریان آهسته ران کارام جانم می رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود
محمل بدار ای ساریان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می رود

سعدی

وزنی طرب انگیز و نرم و لطیف است. شاعر با این وزن لطیف احساس خود را به معشوق بیان می کند.

(ب)

مرادر منزل جانان چه امن عیش چون هر دم جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها
شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها

حافظ

وزن شعر ریتمی و تند است. با خواندن بیت ها متوجه می شویم که در میانه ی هر مصرع درنگی منظم وجود دارد و گام های آوایی این شعر کوتاه و پی در پی هستند و همین نظم و آهنگ توازن پاره های کلامی را نمایان می سازد.

(پ)

بیا تا همه دستِ نیکی بریم جهانِ جهان را به بد نسپریم
نباشد همی نیک و بد پایدار همان به که نیکی بود یادگار

فردوسی

وزن و آهنگ تند و ضربی .

(ت)

ای مَهر تو در دل‌ها، وی مَهر تو بر لب‌ها
 تا خار غم عشقت، آویخته در دامن
 گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید
 گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش
 وی شور تو در سرها، وی سرّ تو در جان‌ها
 کوتاه نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها
 چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها
 می‌گویم و بعد از من، گویند به دوران‌ها

سعدی

سعدی شعر خود را با وزنی در آمیخته که حالت شادی و نشاط درونی او را به خواننده منتقل می‌کند. وزن ضربی و طرب انگیز است و شادی را منتقل می‌کند. (شاعر شعر خود را با وزنی در آمیخته که حالت هم سویی وزن و عاطفه بر قدرت اثر گذاری افزوده است.

۲- نمونه های زیر را بخوانید و درباره ی تفاوت عواطف و حس و حال حاکم بر فضای شعر، گفت و گو کنید.

(الف)

ای نفسِ خرم بادِ صبا از برِ یار آمده‌ای، مَرچبا
 قافلهٔ شب، چه شنیدی ز صبح مرغ سلیمان، چه خبر از سبا؟
 بر سرِ خشم است هنوز آن حریف یا سخنی می‌رود اندر رضا؟

غزلیات، سعدی

وزن طرب انگیز و شاد است و حالت خشنودی را به خواننده منتقل می‌کند.

(ب)

زین درد، خون گریست سپهر و ستاره هم
 بر سر زدند از آلم زادهٔ بتول
 بستند راه مهلت او از چهار سو
 کردند قتل عام به نوعی که شد قتیل
 بر قتل شیرخواره نکردند اکتفا
 بر خور نشست از اثر نعل میخ کوب
 خون گشت، قلب لعل و دلِ سنگ خاره هم
 تنها همین نه مریم وهاجر، که ساره هم
 تنها نه راه مهلت او، راه چاره هم
 از کودکان آل نبی، شیرخواره هم
 تاراج برده‌اند ز کین، گاهواره هم
 تنها نه نقش ماه، که نقش ستاره هم

آن پیکر شریف چو بر روی خاک ماند بر روی او پیاده گذشت و سواره هم
 زین نظم، شد گشوده به رویم در آلم
 بر قلب من نشست، ز مَرّهَم، هزار هم

فدایی مازندرانی

شعر

وزن سنگین، حال و هوای سوگ و غم را به ذهن تداعی می کند، شاعر شعر خود را با آهنگی سنگین درآمیخته است که حالت غم و اندوه خود را به خواننده منتقل می کند.

(پ)

| | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| معشوقه بسامان شد، تا باد چنین بادا | کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا |
| ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد | باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا |
| یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی | غمخواره یاران شد، تا باد چنین بادا |
| زان خشم دروغینش، زان شیوه شیرینش | عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا |
| عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد | عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا |

مولوی

وزن و آهنگ تند و طرب انگیز است و شاعر حالت شوق و هیجان را به خواننده منتقل می کند.

(ت)

| | |
|---------------------------------------|--|
| دیو پیش توست پیدا، زو حذر بایدت کرد | چند نالی تو چو دیوانه ز دیو ناپدید |
| چون نخواهی کت زد دیگر کس جگر خسته شود | دیگران را خیره خیره دل چرا باید خلید |
| برگزین از کارها پاکیزگی و خوی نیک | کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید |
| نیکخو گفته است یزدان، مر رسول خویش را | خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید |

ناصر خسرو

حالت پند و اندرز را به خواننده القا می کند.



۱- در بیت های زیر، نمونه های واج آرایی را بیابید

سـرو را بین بر سماع بلبلان صبح خیز همچو سرمستان به بستان، پای کوب و دست زن «خاقانی»

واج آرایی صامت «س»، «ن» مصوت «آ»

گو بهار دل وجان باش و خزان باش، ارنه ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست «هوشنگ ابتهاج»

«واج آرایی صامت «ن»، «ب»، مصوت «آ»

*سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما می رود، ارادت اوست «حافظ»

«واج آرایی صامت «س»، «ر»، «ت» / مصوت «آ»

*ای تکیه گاه و پناه زیباترین لحظه های / پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من!

ای شطّ شیرین پر شوکت من! «مهدی اخوان ثالث»

واج آرایی «ت»، «ن»، «ش»

۲- در اشعار زیر، آرایه ی تکرار (واژه آرایی) را بیابید

* عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست من که یک امروز، مهمان توام، فردا چرا؟ «شهریار»

امروز، فردا، تو

*در دل، چگونه یاد تو میرد یاد تو یاد عشق نخستین است «فروغ فرخزاد»

دل، یاد، تو

*زمانه قرعۀ نو می زند به نام شما خوشا شما که جهان می رود به کام شما «هوشنگ ابتهاج»

شما

*گر تو گرفتارم کنی، من با گرفتاری خوشم / و خوار چون خارم کنی، ای گل! بدان خواری خوشم «ابوالقاسم حالت»

گرفتار، خوار

* گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل گل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گل «سعدی»

خار، پای

* بی عمر زنده ام من و این بس عجب مدار روز فراق را که نهد در شمار عمر «حافظ»

عمر

* پای استدالایان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود «مولوی»

پای، چوبین

* از ننگ چه پرسى که مرا نام ز ننگ است وز نام چه پرسى که مرا ننگ ز نام است «حافظ»

نگ، چه پرسى، مرا، نام

* گراظهار پشیمانی کند گردون مشو ایمن که بد عهد از پشیمانی، پشیمان زود می گردد «صائب»

پشیمانی

* یک عمر پریشانی دل، بسته به مویی است تنها سر مویی ز سر موی تو دورم «قیصر امین پور»

سر، مویی

* هر کجا دردی است درمانیش هست درد عشق است آن که درمانیش نیست «سلمان ساوجی»

درد، درمان، است

۳- غزلی از حافظ بیابید که نمونه ی مناسبی برای کاربرد واج آرایى و واژه آرایى باشد

بر عهده دانش آموز



کارگاه تحلیل فصل اول

۱- شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

۱ شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

در کتاب آمد که در عهد قدیم
چون به پایان بُرد کار آن سرا
جمله گفتند: این بنای مختصر
چون توانی زیستن در این قفس؟
بهر مردی چون تو والا و حکیم
در شبستانِ تو چون آییم جمع
گفت در پاسخ: که ما را باک نیست
حُجره خود گر بدین سان ساختم
بیش از این گر یار یکدل داشتم
در حقیقت یار یکدل، کیمیاست

نیره سعیدی، (میرفخرایی)

| موضوع | شرح و توضیح |
|------------------------|--|
| نوع لحن | روایی - داستانی: با آهنگ نرم و کشش آوایی همراه است لحن باید میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزد و شوقی همراه با انتظار در ذهن پدید آورد. |
| قلمرو زبانی | به کار گیری «حکیم» به جای «دانشمند»، «سرا» به جای خانه/ کاربرد در خورد» به جای «درخور». جمله ها ساده و کوتاه به کار گیری واژگان فارسی، / ساختمان بیشتر واژه ها ساده است. زبان شعر ساده و روان است. |
| قلمرو ادبی | قالب شعری: مثنوی / به کار گیری آرایه های لفظی: جناس: جمع، شمع، پاک، خاک / استعاره: قفس / تشبیه: همچو پروانه، یار یک دل چون صدف/مراعات نظیر: کیمیا، صدف و در، پریها |
| قلمرو فکری | از سخنان سقراط حکیم به این نکته می رسم که خانه عارفان جز خاک نیست؛ یعنی عدم تعلق خاطر به دنیا و ظواهر دنیا دارای یک نکته عمیق معرفتی است در باره ارزش یار یکدل و صاف سخن گفته است |
| نتیجه گیری و تعیین نوع | عارفان تعلق خاطر به دنیا ندارند - کیمیا و نایاب بودن رفیق یکدل - نوع آن: تعلیمی - اندرزی |

۲ حکایت زیر را بخوانید و برای هر قلمرو، چند ویژگی استخراج کنید.
 پارسازاده‌ای را نعمت بیکران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد.
 باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛
 یعنی خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.
 چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن که می‌گویند ملاحان سرودی،
 اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد، خشک رودی
 عقل و ادب، پیش گیر و لهُو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی
 بری و پشیمانی خوری.

پسر، این سخن در گوش نیاورد و بر قول من اعتراض کرد و گفت:
 برو شادی کن ای یار دل افروز غم فردا، نشاید خورد امروز
 دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند؛ روی از
 مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار بستم که گفته‌اند:

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| گر چه دانی که نشنوند، بگوی | هر چه دانی ز نیک خواهی و پند |
| زود باشد که خیره سر، بینی | به دو پای او فتاده، اندر بند |
| دست بر دست می‌زند که دریغ | نشیدم حدیثِ دانشمند |

گلستان، باب هفتم

| قلمرو فکری | قلمرو ادبی | قلمرو زبانی |
|---|--|--|
| ۱- مدیریت خرج و دخل زندگی را نداشتن موجب پشیمانی می گردد. | ۱- سجع بین کلمات «روان و گردان | ۱- به کار گیری واژگان عربی: فسق، فجور |
| ۲- کسانی که پند نپذیرند دچار حسرت و افسوس می شوند. | ۲- به کار گیری تمثیل: اگر باران به کوهستان نبارد | ۲- جمله ها کوتاه هستند |
| ۳- توصیه به رعایت خردمندی و ادب رفتاری. | ۳- کنایه: دست بر دست زدن: کنایه از افسوس خوردن | ۳- به کار گیری «لغو و لعب» به جای «خوش گذرانی |
| ۴- نوع ادبیات: تعلیمی - اندرزی | ۴- تضاد میان: خشکی و باران | ۴- «... کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله «خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد. |
| | ۵- کنایه: دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی کند | ۵- کاربردهای کهن: ملاح، خشک رود، پیشمانی خوردن- |

۳- نمونه های زیر را از دید حسّ و حال فضای شعری و عاطفی بررسی کنید

* ای آن که غمگنی و سزاواری و ندر نهان سرشک غم همی باری

رفت آنکه رفت و آمد آن که آمد بود آن که بود خیره چه غم داری؟ «رودکی»

وزن و آهنگ با محتوا تناسب دارد. فضای حاکم بر شعر عاطفی است. وزن سنگین و غم انگیز است

* بیا تا گل برافشانیم و می در ساغراندازیم فلک راسقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم «حافظ»

وزن ضربی و شاد است، محتوا با وزن و آهنگ تناسب دارد.

* این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست تا جان و جامه بذل کنم بر پیام دوست

دل زنده می شود به امید وفای یــــار جان رقص می کند به سماع کلام دوست «سعدی»

وزن آرام، نرم، لطیف است.

* جامی است که عقل آفرین می زندش صد بوسه زمهر بر جبین می زندش

این کوزه گر دهر چنین جام لطیف می سازد و باز بر زمین می زندش «خیام»

وزن آرام و سنگین است. حس و حال متفکرانه و آمیخته به حسرت و اندوه دارد.

*خروشید کای فرخ اسفندیار هم‌وردت آمد بر آرای کار «فردوسی»

وزن و آهنگ کوبنده، تند و ضربی، با بار حماسی است. وزن و آهنگ هماهنگی دارد.

*وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی حاصل از حیات ای جان یک دم است تا دانی «حافظ»

وزن ضربی و تند است. شعر دارای پند و اندرز است.

۴- در بیت های زیر، نمونه های واج آرای و واژه آرای را بیابید

گوشه گرفتیم ز خلق وفایده ای نیست گوشه چشمت بلای گوشه نشین است «سعدی»

واج آرای صامت «گ» و «ش» - واژه آرای «گوشه»

ما چون ز دری پای کشیدیم کشیدیم امید ز هر کس که بریدیم، بریدیم «وحشی بافقی»

واج آرای مصوت «ای»، صامت «م»

*دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند از گوشه بامی که بریدیم، بریدیم «وحشی بافقی»

واج آرای صامت «ش - ک - د»، واژه آرای کشیدیم، بریدیم، بریدیم

* در زلف تو بند بود داد دل ما در بند کمند بود داد دل ما

ای داد به داد دل ما کس نرسید از بس که بلند بود داد دل ما «قیصر امین پور»

واژه آرای «بند، دل، داد، ما»، واج آرای صامت «د»، مصوت «-»

*نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس ملالت علما هم ز علم بی عمل است «حافظ»

واج آرای «ل - م - ع»، واژه آرای «بی عمل»

* اگر جنگ خواهی و خون ریختن بر این گونه سختی بر آویختن

بگو تا سوار آورم زابلی که باشند با خنجر کابلی «فردوسی»

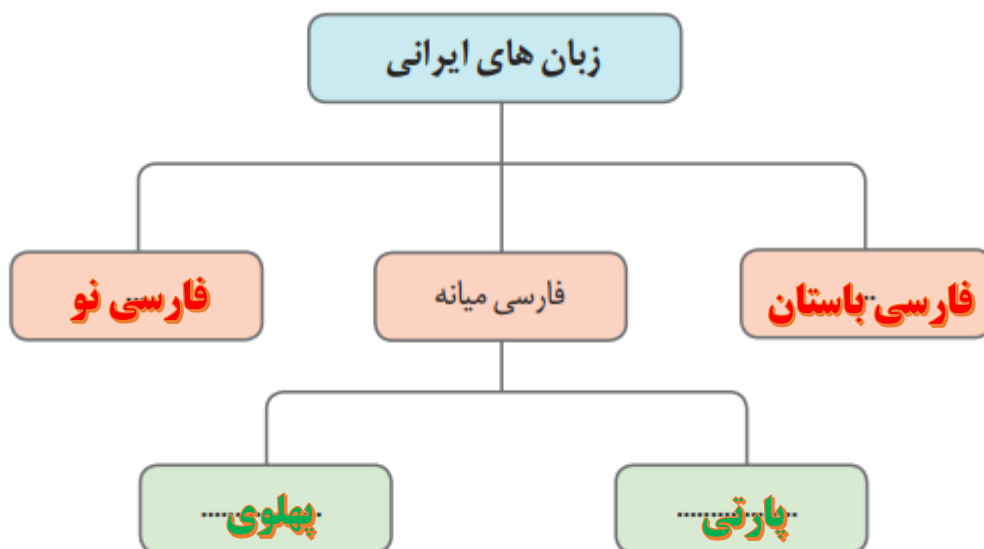
واج آرای صامت «ن» مصوت «آ»



۱- چرا به زبان فارسی نو، "فارسی دری" هم گفته می شود؟

زیرا زبان فارسی نو، زبان درباری ساسانیان، زبان اداری، زبان محاوره و مکاتبات دولتی بوده است.

۲- نمودار زیر را با توجه به آموزه های درس کامل کنید.



۳- عوامل رشد و گسترش زبان و ادب پارسی در این دوره زمانی (قرن های چهارم و پنجم هجری) را بنویسید.
الف) روی کار آمدن دولت سامانی در آغاز این دوره موجب رواج سنت های فرهنگی کهن ایرانی و رشد و شکوفایی نظم و نثر فارسی شد.

ب) بعضی از امیران سامانی، به شاعران و نویسندگان ایرانی توجه کردند و سبب گسترش فرهنگ و زبان ایرانی شدند. علاوه بر آنکه بعضی از آن امرا خود صاحب فضل بودند، مترجمان رانیز تشویق به ترجمه کتاب های گوناگون به نثر فارسی کردند و آثار ارزنده ای به زبان فارسی و عربی در این دوره نوشته شد.

ج) غزنویان برای ماندگاری حکومت خود، ناچار به گسترش زبان فارسی شدند تا پایان سلطنت مسعود، به شاعران و نویسندگان توجه می کردند.

۴- مهم ترین کتاب های نثر این دوره کدامند و چه تاثیری بر وضعیت عمومی زبان و ادب فارسی داشتند؟

نثر این دوره همانند شعر پارسی، رواج یافت، کتاب های گوناگون در این دوره به پارسی دری نوشته شد. نثر این دوره ساده و روان بود و بیشتر به موضوع های حماسی، ملی و تاریخی توجه داشت. شاهنامه ی ابو منصور ی، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی از مهمترین کتاب های نثر این دوره هستند.

۵- درباره مضامین شعری این دوره توضیح دهید.

بیشتر به واقعیت بیرونی توجه داشتند و مفاهیم ذهنی آنها از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی رفت. داستان سرایی و قصه پردازی و آوردن حکایت و مثل ها نیز در شعر این دوره آغاز شد رایج ترین انواع شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه ی اول قرن پنجم حماسی، مدحی و غنایی بود حماسی با فردوسی به اوج رسید. شعر مدحی به پیروی از شعر عربی معمول گشت و شاعران با مدح پادشاهان جایگاه خود را پیدا کردند. شعر غنایی با رودکی و شهید بلخی استحکام یافت شعر تعلیمی هم در این دوره به وجود آمد ولی در دوره ی سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن قطعه و موعظه از آغاز قرن چهارم معمول شد : کسایی مروزی و سپس ناصر خسرو قصیده ی کامل سرودند قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره، روی نقشه نشان دهید .

۶- قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره روی نقشه نشان دهید.



۱- در شمال ایران تا خوارزم

۲- در شمال شرقی، بخارا، سمرقند و مرو تا مرز ترکستان

۳- در مشرق ایران، افغانستان تا مرز پاکستان

۴- در جنوب شرقی تا سرحد هندوستان

۵- در شمال غربی ایران ، ارمنستان و گرجستان تا مرز کوه های قفقاز و روم شرقی .

۶- در مغرب ایران بین النهرین ، بغداد، تا بخشی از سوریه .

۷- در جنوب غربی ایران و جنوب بحرین تا مرز عربستان بوده است.

۸- توس در شمال شرق خاستگاه فردوسی و سمرقند خاستگاه رودکی شرق ایران محدوده اکثر شاعران شعر فارسی و بخارا مرکز فرهنگی اکراین در دوره سامانیان در قرن ۴ و نیمه دوم قرن ۵ بوده است.

۳- در بیت زیر چند هجای کوتاه وجود دارد؟

تارنج تحمل نکنی، گنج نبینی تا شب نرود، صبح پدیدار نباشد «سعدی»

در مصرع اول ۴ هجای کوتاه - مصرع دوم ۴ هجای کوتاه .

۴- برای کاربردهای گوناگون (صامت، مصوت) هریک از واج های زیر، نمونه هایی بنویسید.

| | |
|---|-----|
| صامت: وقت، وقار، محو، جوانی، تقوا، هوا دیو، هوس، مهرورز، روان، نانوا | «و» |
| مصوت: آهو، جادو، هوشیار، مور، روح، مفتوح، آموزگار، آرزو، کوه، ابرو، نور | |
| صامت: یار، سیل، یاد، شیدا، باید | «ی» |
| مصوت: امید، سنگین، خورشید، آیین، شیون، سبب | |
| صامت: ماه، راه، کوه، ابله، شاهراه | «ه» |
| مصوت: آینده، نامه، جامه، خانه، قافیه، آرمیده، عارفانه، قطره | |

۵- علامت هجاهای کدام بیت، چهار بار تکرار شده است؟

«الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها» «حافظ»

| | | | | |
|-----------------|------------|------------|------------|------------|
| پایه های آوایی | ا لا یا ای | ی هس سا قی | ا در کأ سن | و نا ول ها |
| وزن (اسم رکن) | فاعلان | فاعلان | فاعلان | فاعلان |
| نشانه های هجایی | -- U-- | -- U-- | -- U-- | -- U-- |

خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی ای ز چشمه نوشت، چشم دل چراغانی «شهریار»

| | | | | |
|-----------------|----------|-------------|----------|-----------|
| پایه های آوایی | خل و تم | چ را غان کن | ای چ را | غ روحانی |
| وزن (اسم رکن) | ای ز چشم | م ی نوشت | چشم م دل | چ را غانی |
| نشانه های هجایی | - U - | --- U | - U - | --- U |
| | فاعلن | مفاعیلن | فاعلن | مفاعیلن |

من از این جا به ملامت نروم که من این جا به امیدی گروم «سعدی»

| | | | |
|-----------------|------------|-----------|--------|
| پایه های آوایی | م ن زین جا | ب م لامت | ن ر وم |
| وزن (اسم رکن) | ک م نین جا | ب ا می دی | ک ر وم |
| نشانه های هجایی | -- U U | -- U U | - U U |
| | فعلاتن | فعلاتن | فعلن |



خودارزیابی درس ششم «سجع و انواع آن»

۱- در اشعار و جمله های زیر، سجع را بیابید.

* بزرگان گفته اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است. **سعدی**

کوشیدن و جوشیدن : متوازی

* الهی به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم، به یاد تو شادانیم و به یافت تو ناتوانیم. **خواجه عبدالله**

زندگانیم و آبادانیم : مطرف | شادانیم و ناتوانیم : مطرف | شادانیم و/آبادانیم: سجع مطرف

* سر عشق، نهفتنی است نه گفتنی و بساط مهر، پیمودنی است نه نمودنی **مقامات حمیدی**

نهفتنی و گفتنی: مطرف پیمودنی و نمودنی: متوازی

* من مانده ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او

گویی که نیشی دور از او در استخوانم می رود **سعدی**

مهجور و رنجور و دور: مطرف

۲- عبارت زیر را می توان مسجع نامید؟ دلیل خود را بنویسید.

* پادشاهی او راست زبینه، خدایی او راست در خورنده، بلندی و برتری از درگاه او جوی و بس. جهانگشای جویی

بله، زیرا واژگان زبینه و در خورنده در پایان جمله به قرینه آمده اند و چون در حروف پایانی مشترک هستند اما وزنشان یکی نیست سجع مطرف دارند

۳- در عبارت زیر، واژه های سجع کدام اند؟ وجه اشتراک آنها را بنویسید.

* تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج راحت. **گلستان سعدی**

سیاحت و راحت - وجه اشتراکشان واج های پایانی آنهاست.

۴- واژه های **بدهد و بنهد** در عبارت زیر، سجع متوازی دارند.

* جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد. **گلستان سعدی**

۵- در هر عبارت، سجع را بیابید و نوع آن را مشخص نمایید.

تذکرهٔ الاولیا، عطار

* محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست.

غایت و نهایت: مطرف

* پشت و پناه سپاه من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال.

خار و خال: متوازن

* فلان را کرم بی شمار است و هنر بی حساب، دارای عزمی است متین و طبعی کریم.

بی شمار و بی حساب: متوازن | متین و کریم: متوازن

* ظاهر درویشی، جامه ژنده است و موی سترده و حقیقت آن، دل زنده و نفس مرده.

ژنده و سترده: مطرف | زنده و مرده: متوازی

* ارادت بی چون، یکی را از تخت شاهی فروارد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

فروارد و دارد: مطرف

۶- در متن زیر، سجع ها را بیابید، نوع هر یک را مشخص نمایید و درباره ارزش موسیقایی هر یک اظهار نظر کنید.

«صیاد بی روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد. دو چیز مُحال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم. به نانهاده، دست نرسد و نهاده، هر کجا هست، برسد. هر که به تأدیب دنیا راه صواب نگیرد، به تعذیب عقبی گرفتار آید.»

گلستان سعدی

نگیرد بمیرد، مقسوم - معلوم، نرسد - برسد: (سجع متوازی هستند) / نگیرد و آید: (سجع مطرفند) / ارزش سجع متوازی از همه ی سجع ها بیشتر است و سجع مطرف ارزش موسیقایی آن از متوازی کمتر است .



کارگاه تحلیل فصل دوم

۱ نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو زبانی بررسی کنید.

| | |
|---|--|
| آلا یا خیمگی، خیمه فروهل تبیره زن بزد، طبل نخستین نماز شام نزدیک است و امشب ولیکن ماه دارد قصدِ بالا | که پیشاهنگ، بیرون شد ز منزل شتربانان همی‌بندند محمل مه و خورشید را بینم مقابل فروشد آفتاب از کوه بابل |
|---|--|

منوچهری

۱- کوتاهی جمله‌ها

۲- وجود واژگان کهن: خمیگی، فروهل، محمل، نماز شام، تبیره زن.

۳- زبان شعر ساده

۴- به کارگیری فعل‌های پیشوندی مانند: فروهل و فرو شد

۵- فراوانی ساخت‌های ترکیبی به نسبت شعر رودکی مانند پیشاهنگ و شتربانان

۶- استفاده از شبکه معنایی ماه و خورشید و آفتاب

۲ نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو ادبی بررسی کنید.

(الف)

«نوشته‌اند: درزی‌ای و جولاهه‌ای با هم دوستی داشته‌اند و چون به هم بنشستند، می‌گفتندی که این کار این شیخ، هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می‌گفتند که این مرد دعوی کرامت

می‌کند؛ بیا تا هر دو به نزدیک وی در شویم؛ اگر شیخ بداند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنچه می‌کند، بر اصل است. هر دو مُتَنگروار به نزدیک شیخ ما درآمدند. چون چشم شیخ بر ایشان افتاد، گفت: به فلک بر، دو مرد پیشه‌ورند زان یکی درزی و دگر جولاه پس اشارت به درزی کرد و گفت: این ندوزد، مگر قبای ملوک آنکه اشاره به جولاهه کرد و گفت: وان نبافد، مگر گلیم سیاه ایشان هر دو خجل گشتند و در پای شیخ افتادند و از آن انکار، توبه کردند.»

اسرار التوحید، محمد بن منور

۱- سادگی

۲- کاربرد کنایه مانند: گلیم سیاه کنایه از بدبختی

۳- به کار گیری سجع در سخن: ندوزد و نبافد

۴- مراعات نظیر: درزی و جولاه قسمت

۵- بهره گیری از موسیقی حروف

(ب)

«ملک گفت: آورده‌اند که بازرگانی غلامی داشت دانا و زیرک سار و بیدار بخت. بسیار حقوق بندگی بر خواجه ثابت گردانیده بود و مقامات مشکور و خدمات مقبول و مبرور بر جراید روزگار ثبت کرده.

روزی خواجه گفت غلام را: «ای غلام، اگر این بار دیگر سفر دریا برآوری و باز آیی، تو را از مال خویش آزاد کنم و سرمایه‌ی وافر دهم که کفاف آن را پیرایه‌ی عفاف خود سازی و همه عمر پشت به دیوار فراغت باز دهی.» غلام این پذیرفتاری از خواجه شنید، به روی تقبل و تکفل پیش آمد و بر کار اقبال نمود. بار در کشتی نهاد و خود در نشست. روزی دو سه، بر روی دریا می‌راند. ناگاه بادهای مخالف از هر جانب برآمد، سفینه را در گردانید و بار آبگینه‌ی املش خرد بشکست. کشتی و هرچ درو بود، جمله به غرقاب فنا فرو رفت و او به سنگ‌پشت بحری رسید؛ دست درو آویخت و خود را بر پشت او افکند تا به جزیره‌ای افتاد که درو نخلستان بسیار بود؛ یک چندی در آن جایگه از آنچ مقدور بود، قوتی می‌خورد...»

مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی

۱- بهره‌گیری از کلمات هم وزن و هم آهنگ: مشکور، مقبول، مبرور

۲- بهره‌گیری از تشبیه: غرقاب فنا، پیرایه عفاف، آبگینه امل، استفاده از استعاره: دیوار فراغت

۳ نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو فکری بررسی کنید.

| | |
|---------------------------------|------------------------------------|
| کز اهل سماوات به گوش تورسد صوت! | ای خواجه، رسیده‌است بلندیت به جایی |
| توزنده بمانی و بمیرد ملک الموت | گر عمر تو چون قد تو باشد به درازی |

انوری

۱- ذم شبیه به مدح است.

۲- عینی است

۳- طنز است

۴ با ذکر دلیل بنویسید چرا دو مصرع بیت زیر هم وزن است؟
 بشنوازی چون حکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند

مولوی

زیرا ترتیب و تعداد هجاها در هر دو مصرع یکی است یعنی هجاهای کوتاه و بلند آن ها در مقابل هم قرار می گیرند.

| | | | |
|-----------------|----------------|----------------|-----------|
| پایه های آوایی | بش نَ وَزَ نِی | چُن حِ کَا یَت | می کُ نَد |
| | از جُ دَا یِی | هَاشِ کَا یَت | می کُ نَد |
| وزن (اسم رکن) | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلتن |
| نشانه های هجایی | -- U -- | -- U -- | - U - |

۵- در جملات زیر، انواع سجع را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

خواجه عبدالله انصاری

الهی اگر بهشت، چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو، درد و داغ است.

چراغ و داغ: مطرف

خواجه عبدالله انصاری

طالب علم، عزیز است و طالب مال، ذلیل.

عزیز و ذلیل: متوازن

سعدی

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش، همه جا کشیده.

رسیده و کشیده: متوازی

این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصع سعدی

مرقع و مرصع: متوازی

در ایام طفولیت متعبد و شب خیز بودم و مولع زهد و پرهیز. سعدی

شب خیز و پرهیز: متوازی

۶- نوع سجع دو واژه زیر را بنویسید و به جای واژه دوم، واژه ای بگذارید که بالاترین ارزش موسیقایی را در میان سجع ها داشته باشد. شاد: یاد بام: نام

یاد و نام سجع متوازن دارند. شاد و یاد که سجع متوازی می سازد و بالاترین ارزش موسیقایی را دارد بام و نام سجع متوازی می سازد و بالاترین ارزش موسیقایی را دارد.



خودارزیابی درس هفتم «سبک خراسانی»

۱ با توجه به شعر زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود | نبود دندان، لا، بل چراغ تابان بود |
| سپید سیم زده بود و درّ و مرجان بود | ستارهٔ سحری بود و قطره باران بود |
| یکی نماند کنون زان همه، بسود و بریخت | چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود |
| نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز | چه بود؟ منت بگویم: قضای یزدان بود... |
| همیشه شاد و ندانستی که غم چه بود | دل‌م نشاط و طرب را فراخ میدان بود |
| تو رودکی را، ای ماهرو، کنون بینی | بدان زمانه ندیدی که این چینان بود |
| بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی | سرودگویان، گویی هزارستان بود |
| شد آن زمانه که شعرش همه جهان بنوشت | شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود |
| کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم | عصا بیار که وقت عصا و انبان بود |

رودکی

الف) شعر رودکی را از نظر ویژگی‌های ادبی بررسی نمایید.

- ۱- قالب شعر قصیده است. قافیه و ردیف بسیار ساده است.
- ۲- شعر واقع‌گراست و توصیفات طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.
- ۳- استفاده از آرایه‌های ادبی، طبیعی و در حد اعتدال است.
- ۴- بیت دوم تلمیح دارد به تاثیر گذاری اجرام آسمانی بر سرنوشت انسان (باور گذشتگان)
- ۵- واژه آرایه (تکرار): نحس بیت ششم تشبیه، بیت هفتم تکرار واژه‌های شد، زمانه، روی و موی جناس، واج آرایه مصوت بلند (ا) و ...

ب) ویژگی‌های زبانی این شعر چیست؟

۱- کمی واژگان عربی

۲- کاربرد بیشتر کلمات فارسی

۳- سادگی زبان شعر

۴- به کارگیری واژگان کهنه و مهجور مانند: بسود

۵- به کارگیری «ی» استمراری، به جای «می» (ندانستمی: نمی دانستم)

۶- افزودن «ب» بر سر فعل ماضی (بسود و بریخت)

۲ متن زیر مربوط به کدام دوره نثر است؟ دو مورد از ویژگی‌های نثر این دوره را بنویسید.

«چهاردهم صَفَر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب برفتم. بیستم صفر سنه ۴۳۸ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری آبادان؛ مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند؛ و در تبریز، «قطران» نام، شاعری را دیدم؛ شعری نیک می گفت؛ اما زبان فارسی نیکو نمی دانست؛ پیش من آمد؛ دیوان مُنجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود، از من بپرسید و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.»

سفرنامه، ناصر خسرو

نثر دوره غزنوی:

۱- افزایش کلمات عربی نسبت به دوره قبل (سامانی)

۲- توصیفات جزئی و فراوان

۳- به کاربردن «ب» اول افعال (برفتم، بخواند، بیاورد)

۴- به کاربردن را در معنی هنگام چهاردهم صفر را

۵- به کاربردن را به معنی برای: مرا حکایت کردند

۶- جمله های کوتاه

۳ دو مورد از ویژگی‌های نثر زیر را بنویسید.

«به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست چنان که رسم ملوک بود؛ و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر، بوذرجمهر، گفت: «ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟»
 بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان!»

خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟
 بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.»»

قابوس‌نامه، کیکاووس

نثر غزنوی و سلجوقی:

۱-افزایش کاربرد لغات عربی

۲-کاربرد «اندر» به جای «در.»

۳-جا به جایی اجزای جمله: رسولی آمد از روم.

۴-به کاربردن کلماتی امروزه رواج کمتری دارند: طیره، بارداد، خدایگان

۵-کاربرد «ب» اول فعل ماضی ساده

خودارزیابی درس هشتم «وزن شعر فارسی»

۱- نام و نام خانوادگی خود را با خط عروضی بنویسید.

۲- هجاهای بیت زیر را، مشخص کنید.

*مروت نباشد بر افتاده زور برد مرغ دون، دانه از پیش مور سعدی

| | | | | |
|-----------------|-------------|-------------|-------------|----------|
| پایه های آوایی | مُ ر و ت | نَ با ش د | بَ رَ فِ تا | دِ ز و ر |
| وزن (اسم رکن) | فَعولن | فَعولن | فَعولن | فَعِل |
| نشانه های هجایی | --U | --U | --U | -U |
| | بَ ر د مَ ر | غِ د و ن دا | نِ از بِی | شِ م و ر |

۳- واژه های زیر را با خط عروضی بنویسید و مرز هر کدام از واژه ها را که بیش از یک هجا دارد، مشخص کنید.

*رهایی = ر ه ا ی ی (-- U) *لانه = ل ا ن (U -) *خویشتن شناسی = خ ی ش ت ن ش ن ا س ی (-- U - U)
 *محبت = م ح ب ت (-- U) *دلنوازان = د ل ن و ا ز ا ن (-- U) *نیکو = ن ی ک و (--) *خواهش = خ ا ه ش (--)
 *رهرو = ر ه ر و (--) *بزرگراه = بُ ز ر گ ر ا ه (U - U - U) *بنفشه = ب ن ف ش (U - U) *ملائت = م ل ا ت (-- U)
 *التماس = ا ل ت م ا س (U - U -) *خود = خ د (-) *سفینه = س ف ی ن (U - U) *چون = چ ن (-)
 *پشتوانه = پ ش ت و ا ن (U - U) *مجموعه = م ج م و ع (U --) *روزنه = ر و ز ن (- U -)
 *خواستن = خ ا س ت ن (- U -) *مؤذن = م ؤ ذ ن (-- U) *کاشته = ک ا ش ت (- U -) *راهوار = ر ا ه و ا ر (U - U)

۴- واژه های زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر با همزه بخوانید و به خط عروضی بنویسید.

| واژه | حذف همزه | نشانه هجایی | بدون حذف همزه | نشانه هجایی |
|----------|----------|-------------|---------------|-------------|
| سرآمد | سرآمد | --U | سرآمد | --- |
| دل انگیز | دلنگیز | U--U | دل ان گیز | U--- |
| جنگ آور | جنگاور | --- | جنگ آور | --U- |
| شب آهنگ | شباهنگ | U--U | شب آهنگ | U--- |
| شیر افکن | شیرفکن | --- | شیر اف کن | --U- |
| دارآباد | دارآباد | U--- | دار آ باد | U--U- |

۵- ابیات زیر را درست بخوانید و با خط عروضی بنویسید. سپس مرز هجاها را مشخص کنید. و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید.

با من بگو ماهی بگو، مه‌ری بگو، اشکی بگو آهی بگو **اوستا**

| | | | | | |
|-----------------|-----------|----------|-----------|----------|---------|
| پایه های آوایی | با من بگو | ماهی بگو | مه‌ری بگو | اشکی بگو | آهی بگو |
| وزن (اسم رکن) | مستعلن | مستعلن | مستعلن | مستعلن | مستعلن |
| نشانه های هجایی | - U -- | - U -- | - U -- | - U -- | - U -- |

بر سر آنم که گرز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سر آید **حافظ**

| | | | | | |
|-----------------|-----------|-----------|-------------|------------|---------|
| پایه های آوایی | بر سر آنم | دست برآید | دست به کاری | زخم که غصه | سر آید |
| وزن (اسم رکن) | مفتعلن | مفتعلن | مفتعلن | مفتعلن | مفتعلن |
| نشانه های هجایی | - U U - | - U U - | - U U - | - U U - | - U U - |

۶- تقطیع هجایی ابیات زیر را انجام دهید.

* کی رفته ای ز دل که تمنّا کنم تو را؟ کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ **فروغی بسطامی**

| | | | | |
|-----------------|--------|---------|----------|---------|
| پایه های آوایی | کی رفت | ای ز دل | ت من فاک | نم ت را |
| وزن (اسم رکن) | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلی |
| نشانه های هجایی | U -- | U - U - | U - - U | - U - |

* آینه ار نقش تو بنمود راست خود شکن، آینه شکستن خطاست **نظامی**

| | | | |
|-----------------|-----------|-------------|---------------|
| پایه های آوایی | آ ی ن ا ر | ن ق ش ت بُن | م و د ر ا س ت |
| وزن (اسم رکن) | مفعَلن | مفعَلن | فاعِلن |
| نشانه های هجایی | - UU - | - UU - | - U - |

*اگر کاری کنی مزدی ستانی چو بیکاری، یقین بی مزد مانی ناصر خسرو

| | | | |
|-----------------|--------------|----------------|-----------|
| پایه های آوایی | ا گر ک ا ر ی | کُ ن ی م ز د ی | س ق ا ن ی |
| وزن (اسم رکن) | مفاعِلن | مفاعِلن | فَعولن |
| نشانه های هجایی | - - - U | - - - U | - - U |

۷- با توجه به علامت هجاها، کدام واژه ها با حذف همزه، تلفظ شده اند؟

باد آورده: ---U حذف همزه

پلنگ افکن: U-U -- بدون حذف

دانش آموز: ---U بدون حذف

گل اندام: ---U بدون حذف

پیام آور: ---U حذف همزه

خوش اندام: U-U -- حذف همزه

کار آزموده: --U-U حذف همزه



۱- کدام بیت ها ، آرایه موازنه به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

*گر عزم جفا داری سر در رهت اندازم ور راه وفا گیری، جان در قدمت ریزم **سعدی**

موازنه ندارد زیرا در این بیت کلمات دو به دو باهم سجع متوازن یا متوازی ندارند. اندازم و ریزم سجع مطرف هستند

*ز گرز تو خورشیدگریان شود ز تیغ تو بهرام بریان شود **فردوسی**

موازنه دارد زیرا همه واژه ها مقابل هم سجع متوازن دارند و واژه های (بریان و گریان) سجع متوازی دارند.

*جفا پل بود، بر عاشق شکستی وفا گل بود، بر دشمن فشاندی **خاقانی**

موازنه دارد زیرا در بیت سجع متوازن و متوازی وجود دارد کلمات وفا، جفا - پل و گل متوازی اند.

*همه شوری و نشاطی، همه عشقی و امیدی همه سحری و فسونی، همه نازی و خرامی **شفیعی کدکنی**

موازنه است زیرا سجع متوازن در بیت وجود دارد.

*تیر بلای او را جز دل هدف نباشد تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد **خواجوی کرمانی**

موازنه است زیرا کلمات دو به دو سجع متوازن دارند به جز واژه های بلا و جفا که سجع متوازی است.

*در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز وز لعل شکربار، می و نقل فرو ریز **عراقی**

موازنه ندارد.

*پرواز به آنجا که نشاط است و امید است پرواز به آنجا که سرود است و سرور است **فریدون مشیری**

موازنه دارد زیرا همه واژه های مقابل هم سجع متوازن یا متوازی دارد.

*نظر تا کنی عرض نقل است و می نفس تا کشی، حرف چنگ است و نی **بیدل دهلوی**

موازنه دارد. زیرا واژه های مقابل هم به جز (می و نی) سجع متوازن دارند.

۲- در کدام از ابیات، شاعر از آرایه ترصیع ، بهره برده است ؟ دلیل انتخاب خود را بنویسید.

*عالم همه عابدند و معبود یکی است دنیا همه ساجدند و مسجود یکی است **فرخی یزدی**

موازنه دارد زیرا (عالم و دنیا) سجع متوازن دارند و بقیه کلمات سجع متوازی دارند.

* چرا نهم؟ نهم دل بر خیالت چرا ندهم؟ دهم جان در وصالت **خاقانی**

موازنه دارد زیرا (دل و جان) سجع متوازن دارد و بقیه کلمات در بیت سجع متوازی دارند.

* چرا مطرب نمی خواند سرودی؟ چرا ساقی نمی گوید درودی؟ **ابتهاج**

آرایه ترصیع ندارد زیرا واژه های مطرب و ساقی سجع متوازن هستند پس موازنه است.

* راه وصل تو، راه پر آسیب درد عشق تو، درد بی درمان **هاتف اصفهانی**

موازنه دارد زیرا واژه های بیت مقابل هم سجع متوازن دارند.

* ما ز بالاییم و بالا می رویم ما ز دریاییم و دریا می رویم **مولوی**

ترصیع دارد زیرا تمام واژه ها دو به دو سجع متوازی دارند.

۳- کدام بیت از نظر کاربرد «سجع» ارزش موسیقایی بیشتری دارد؟

* هم عقل دویده در رکابت هم شرع خزیده در پناحت **جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی**

موازنه دارد.

* ما برون را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را **مولوی**

ترصیع دارد. این بیت ارزش موسیقایی اش بیشتر است زیرا همه کلمات دو به دو سجع متوازی دارند و آرایه ی

ترصیع را ایجاد کرده اند. سجع متوازی ارزش موسیقایی اش از سجع متوازن بیشتر است.

۴- شاعر در ابیات زیر، برای بهره گیری از آرایه سجع چه شیوه ای را به کار گرفته است؟ توضیح دهید.

* بهاری کز دو رخسارش، همی شمس و قمر خیزد / نگاری کز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد **کلیله و دمنه**

از موازنه استفاده کرده است موازنه موجب افزایش موسیقی درونی شعر می شود.

* برگ بی برگی بود ما را نوال مرگ بی مرگی بود ما را حلال **مولوی**

شاعر با استفاده از ترصیع و تقابل سجع های متوازی در هر دو مصراع افزایش موسیقی درونی شعر بسیار افزوده

است.

* ما چو ناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست **مولوی**

شاعر با به کار گیری موازنه تلاش کرده است بر بار موسیقی شعر خود بیفزاید.

۵- در تقطیع هجایی هر بیت زیر، چند هجای کشیده دیده می شود؟

*هر که تامل نکند در جواب بیشتر آید سخنش ناصواب **سعدی**

| | | | |
|-----------------|-----------|------------|-----------|
| پایه های آوایی | هر ک ت ام | م ل ن ک ند | در ج و اب |
| | بی ش ت را | ب د س خ نش | نا ص و اب |
| وزن (اسم رکن) | مفعولن | مفعولن | فاعلن |
| نشانه های هجایی | - U U - | - U U - | - U - |

در مصرع اول کلمه «جواب» هجای آخر «واب» کشیده است و نیز در مصرع دوم کلمه «ناصر» هجای آخر «واب» کشیده است که البته به خاطر وجود اختیار زبانی هجای پایانی در اشعار اگر کشیده باشند به هجای بلند تبدیل خواهند شد.

همچنین در مصرع دوم واژه «بیشتر» هجای اول «بیش» هجای کشیده است

*چند پرسی زمن چیستم من نیستم نیستم من **میرزا حبیب خراسانی**

| | | | |
|-----------------|---------------|-------------|---------|
| پایه های آوایی | چ ن د پ ر سی | ز م ن چ ی س | ت م م ن |
| | ن ی س ت م ن ی | س ت م ن ی س | ت م م ن |
| وزن (اسم رکن) | فاعلاتن | مفاعیلن | فعل ل ن |
| نشانه های هجایی | - - U - | - - - U | - - |

چند، چیس، نیس، نیس، نیس، در کل ۵ هجای کشیده دارد.

کارگاه تحلیل فصل سوم

۱ نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو زبانی بررسی کنید.

بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیحون از نشاط روی دوست خنگ ما را تا میان آید همی
ای بخاراء، شاد باش و دیر زی میر، زی تو شادمان آید همی

رودکی

۱- به کار گیری واژگان کهنه و مهجور مانند «خنگ»

۲- زبان شعر ساده و نرم

۳- سادگی و کوتاهی جمله ها

۴- وجود واژگان کهن: خنگ، زی

۵- کمی واژگان غیرفارسی

۲ نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو ادبی بررسی کنید.

و بدان که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید؛ چنان
که پیغامبر علیه السلام فرمود: **أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْقَلَمَ،** و قلم را
فرمود که بر لوح بگردد و بنویس هر چه تا قیامت بخواهد بود؛ پس
هر چه خواست آفریدن و خواست بودن تا رستخیز، همه قلم بنوشت
به امر حق — عزّ و جلّ —.

تاریخ بلعمی

۱- سبب به آفرینش سَم

ب) تضمین اول ما خلق الله تعالی القلم

ت) تکرار یا واژه آرایه: خواست

ث) مراعات نظیر: پیامبر، رستخیز، قیامت، حق تعالی

۳- در کدام یک از بیت ها، شاعر از آرایه ترصیع، بهره برده است؟ دلیل انتخاب خود را | بنویسید.

دانه باشی مرغکانت بر چند غنچه باشی کودکانت برکنند **مولوی**
ترصیع دارد زیرا همه ی سجع های آن متوازی است.

بدان حجت که دل را زنده دارد بدان آیت که جان را بنده دارد **نظامی**

موازنه دارد زیرا واژه های (دل و جان) سجع متوازن هستند و بقیه کلمات سجع متوازیند.

خوشا چون سروها استادانی سبز خوشا چون برگ ها افتادانی سبز **قیصر امین پور**

موازنه دارد. بین سروها و برگ ها سجع متوازن است چون روی آن ها (ه و گ) یکی نیست.

برند از برای دلی بارها خورند از برای گلی خارها **سعدی**

ترصیع دارد زیرا واژه ها دو به دو سجع متوازی دارند.

ما چوناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست **مولوی**

بیت موازنه دارد. (کوه و نای) سجع متوازن و ترصیع ندارد.

۴- بیت زیر را تقطیع هجایی کنید.

دانه باشی مرغکانت بر چند غنچه باشی کودکانت برکنند **مولوی**

| | | |
|------------|------------|----------|
| دا ن با شی | مر غ کا نت | بر چ نند |
| غن چ با شی | کو د کا نت | بر ک نند |
| --U-- | --U-- | -U- |
| فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن |



۱- تحوّل اساسی شعر این دوره در چه زمینه هایی صورت گرفت؟

تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم شعر پارسی همچنان تحت تاثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است گروهی از شاعران این دوره ، در عین تقلید از پیشینیان ، ابتکارات و نوآوری هایی داشتند که موجب دگرگونی و تحول در سبک شعر شد . علاقه مندی شاعران به سرودن غزل های لطیف و زیباست . انوری و هم سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل کوشیدند. تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند سبب شد که در قرن هفتم شاعران بزرگی نظیر: مولوی ، عطار، سعدی و... در غزل ظهور کنند و این نوع از شعر فارسی را به اوج برسانند عطار و مولوی به پیروی از سنایی به تصوف و عرفان روی آوردند . شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع تنوع یافت و در شاخه ها و رشته هایی هم چون مدح ، هجو، طنز، وعظ، حکمت، داستان سرایی، تغزل و حماسه به کار گرفته شد. با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاه ، دامنه ی موضوعات آن گسترش یافت و بر سادگی بیان ، قدرت توجه به حکمت و دانش و اندیشه های دینی عواطف ، عمق و افکار و اندیشه ی موضوع شعر پارسی افزوده شد ، بدبینی شاعران نسبت به دنیا، شکایت از روزگار ، طرح نابه سامانی های اجتماعی از مضامین برجسته شعر این دوره است.

۲ ویژگی های شعر دوره اول (از قرن سوم تا میانه قرن پنجم) و دوم (از نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم) را با هم مقایسه کنید.

الف) «زبانی»: در دوره اول (سبک خراسانی) ، کاربرد واژگان عربی کمتر است اما در دوره دوم (سبک عراقی) لغات و ترکیبات عربی فراوان دیده می شود.

«زبانی» در دوره اول زبان شعر ساده است ، اما در دوره دوم سادگی و روانی سخن کمتر می شود

الف) «ادبی»: در دوره اول قالب عمده شعر قصیده است اما در دوره دوم قالب شعر بیشتر غزل و مثنوی است

در دوره اول ، قافیه و ردیف بسیار ساده است ، اما در دوره ی دوم، ردیف های فعلی و اسمی دشوار در شعر رایج می شود .

پ) «فکری»: در دوره اول ، شعر واقع گراست و معشوق عمدتاً زمینی است اما در دوره دوم عرفان گسترش می یابد و معشوق دیگر زمینی نیست.

۳ دلایل گرایش نویسندگان به فارسی نویسی در این دوره چیست؟

الف) گسترش عرفان و تصوف

ب) شکل گیری دولت سلجوقی و بهره گیری از دبیران و نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق

۴ با توجه به این شعر، به پرسش‌ها، پاسخ دهید.

| | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| آمد نَفَس صبح و سلامت نرسانید | بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید |
| یا تو به دم صبح، سلامی نسپردی | یا صبحدم از رشک، سلامت نرسانید |
| من نامه نوشتم به کبوتر بسپردم | چه سود که بختم سوی بامت نرسانید |
| بر باد سپردم دل و جان، تا به تو آزد | زین هر دو ندانم که کدامت نرسانید |
| عمری است که چون خاک، جگر تشنه عشقم | و ایام به من، جرعه جامت نرسانید |
| خاقانی، ازین طالع خود کام چه جویی؟ | کاو چاشنی کام به کامت نرسانید |

خاقانی شروانی

الف) دو ویژگی ادبی را بنویسید.

ب) کدام ویژگی‌های زبانی در شعر دیده می‌شود؟

پ) قلمرو فکری این غزل را بررسی کنید.

الف-ویژگی ادبی:

الف صحبت کردن با صبح: تشخیص

۱- تشبیه: من چون خاک هستم.

۲- جناس: همسان کام ، کام

۳- قالب: غزل

۴- وجود ردیف فعلی

ب) ویژگی زبانی:

۱ - استفاده از ترکیبات نو : چاشنی کام

۲- از بین رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی

۳- فارسی بودن اغلب واژه ها

۴- کوتاه و ساده بودن جمله ها

۵- ساختمان ساده داشتن بیشتر کلمات: نفس، صبح

پ) ویژگی فکری:

۱- توجه به احوال شخصی و مسائل روحی یار نبودن بخت و اقبال با شاعر بیان نامرادی و ناکامی شاعر،

۲- پیام: درون گرایی

۵ کدام یک از ویژگی‌های نثر این دوره را، در متن زیر، می‌بینید؟

آورده‌اند که به فلان شهر، درختی بود و در زیر درخت، سوراخ موش، و نزدیک آن، گربه‌ای خانه داشت؛ و صیادان آنجا بسیار آمدندی. روزی صیاد دام بنهاد. گربه در دام افتاد و بماند و موش به طلب طعمه از سوراخ بیرون رفت. به هرجانب برای احتیاط، چشم می‌انداخت و راه سره می‌کرد، ناگاه نظر بر گربه افگند. چون گربه را بسته دید، شاد گشت. در این میان از پس نگریست. راسویی از جهت او کمین کرده

بود؛ سوی درخت التفاتی نمود. بومی قصد او داشت. بترسید و اندیشید که اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر برجای قرار گیرم، بوم فرود آید و اگر پیش‌تر روم، گربه در راه است. با خود گفت: درِ بلاها باز است و انواع آفت به من محیط و راه مخوف، و با این همه، دل از خود نشاید برد....

کلیده و دمنه، نصرالله منشی

الف- استفاده از آرایه‌های ادبی: درِ بلا: استعاره، مراعات نظیر: گربه، موش، راسو، بوم

ب- رواج نثر داستانی که متن این درس نیز داستانی است.

ج- به کارگیری واژه‌های مهجور عربی: التفات، مخوف

د- حذف افعال به قرینه مثل: درختی بود و زیر درخت، سوراخ موش (بود) که حذف به قرینه لفظی دارد



خودارزیابی درس یازدهم «قافیه»

۱- در بیت زیر حروف قافیه را مشخص کنید.

در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم گر شکوه ای دارم زدل، با یار صاحب دل کنم
رهی مُعیری

واژه های قافیه: بی حاصل؛ صاحب دل

حروف مشترک قافیه: ل قاعده ۲

۲- واژه های قافیه و حروف مشترک آن را در هر بیت، مشخص کنید.

بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید
حافظ

واژه های قافیه: بر؛ سر

حروف مشترک: ر قاعده ۲

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر، دگر باره جوان خواهد شد
حافظ

واژه های قافیه: مشک فشان؛ جوان

حروف مشترک: "ا" قاعده ۲

گوهر خود را هویدا کن، کمال این است و بس خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس
میرزا حبیب خراسانی

واژه های قافیه: هویدا، پیدا

حروف مشترک: "ا"، قاعده ۱ ("آ" آخرین حرف اصلی قافیه است.)

۳- نوع قاعده قافیه را در هر بیت، مشخص کنید.

من از دست کمانداران ابرو نمی یارم گذر کردن به هر سو
سعدی

واژه های قافیه: ابرو، سو

حروف مشترک "و" قاعده ۱

آب آتش فروز، عشق آمد آتش آب سوز، عشق آمد
سنایی، حدیقه

واژه های قافیه: آتش فروز، آب سوز قاعده ۲ (وز)

کی رفته ای ز دل که تمنّا کنم تو را؟ کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ **فروغی بسطامی**

واژه های قافیه: تمّنا، پیدا قاعده ۱ ("ا" حرف قافیه)

۴ - در کدام بیت، «ردیف» وجود ندارد؟ دلیل خود را بنویسید.

الف) روز وصل دوستداران، یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد **حافظ**

ب) گلاب است گویی به جویش روان همی شاد گردد ز بویش روان **فردوسی**

در بیت دوم؛ زیرا **روان** در مصراع اوّل با **روان** در مصراع دوم از نظر معنی متفاوت است **روان** در

مصراع اول به معنی جاری است. **روان** در مصراع دوم به معنی "جان" می باشد.

۵ - هریک از اصطلاحات زیر را مقابل بیت مربوط به آن بنویسید.

«قافیۀ درونی، ذوقافیتین»

ای از مکارم تو شده در جهان خبر افکنده از سیاست تو، آسمان سپر **رشید و طواط**

بیت ذوقافیتین است زیرا دارای دو قافیه پایانی است.

(جهان، آسمان)، (خبر، سپر)

گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی هم درد و داغ عالمی، چون پا نهی اندر جفا **مولوی**

بیت قافیه درونی دارد؛ زیرا در درون مصراع کلمات: باغ، چراغ و داغ هم قافیه اند.

یار مرا، غار مرا، عشق جگر خوار مرا یار تویی، غار تویی، خواجه نگه دار مرا **مولوی**

بیت قافیه درونی دارد؛ زیرا، یار، غار، جگر خوار و نگه دار هم قافیه اند

۶ - با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست تا اشارات نظر، نامه رسان من و توست **هوشنگ ابتهاج**

الف) ردیف کدام است؟ **من و توست**

ب) واژه های قافیه را مشخص کنید. **میان، نامه رسان**

پ) حروف و قاعده قافیه را بنویسید. **ان، مصوت بلند + صامت / قاعده ۲**

۷ - شعر زیر را از نظر کاربرد قافیه و کوتاهی و بلندی مصراع ها با شعر « **مهر و وفا** » در کتاب فارسی سروده حافظ ، مقایسه کنید.

عاشقم بهار را

رویش ستاره در کویر را

ره نورد دشت های عاشقی!

پُر ز باده سپیده باد، جام تو

ای که چون غزال تشنه،

آب تازه می خورد

مزرع دلم ز جاری کلام تو

در غبار کام تو

چاره فسونگران و رهنان

در مُحاق مرگ، رخ نهفتن است

من که تشنه ام زلالی از سپیده را

من که جست و جوگرم

سرودهای ناشنیده را،

شعر من که عاشقم

همیشه از تو گفتن است

ای که در بهار سبز نام تو

رسالت گل محمدی

شکفتن است!

سید حسن حسینی

چون شعر سید حسن حسینی، شعر نو است بنابراین تمام مصراع ها قافیه ندارد.

فقط شش مصرع قافیه دارد و طول مصراع ها برابر نیست.

" جام " ، " کلام " و " نام " هم قافیه اند.

هم چنین: " نهفتن"، "گفتن" و "شکفتن" نیز هم قافیه اند. ولی در غزل مهر و وفا آخر تمام مصراعهای

زوج قافیه دارد (در بیت اول قافیه در هر دو مصراع وجود دارد) و طول مصراع ها برابر است.

۸- در هر یک از ابیات زیر مورد خواسته شده مشخص کنید.

الف) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟ **حافظ**

۱. ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد) **کجاست**

۲. واژه ها و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید. **یار - عیار - (یار)**

۳. حرف یا حرف های الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد) ---

۴. حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید. **ار**

ب) کاشکی جز تو کسی داشتمی یا به تو دست رسی داشتمی **خاقانی**

۱. ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد) **داشتمی**

۲. واژه ها و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید. **کسی - دسترسی - (سی)**

۳. حرف یا حرف های الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد) **ی**

۴. حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید. **س**

پ) چندان که گفتم غم با طبیبان درمان نکردند مسکین غریبان **حافظ**

۱. ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد) ---

۲. واژه ها و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید. **طبیبان - غریبان - (بان)**

۳. حرف یا حرف های الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد) **ان**

۴. حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید. **یب**

ت) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست **مولوی**

۱. ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد) **آرزوست**

۲. واژه ها و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید. **گلستانم - فراوانم (انم)**

۳. حرف یا حرف های الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد) **م**

۴. حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید. **ان**

خودارزیابی درس دوازدهم «جناس و انواع آن»

۱- در بیت های زیر، انواع جناس را مشخص کنید.

الف) در دل، عطش عشق خدایی ما راست دیوانه وصلیم و جدایی ما راست **قیصر امین پور**

خدایی و جدایی جناس ناهمسان اختلافی

ب) بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت **خیام**

جناس همسان «تام» گور در مصرع اول به معنی گور خر، و در معنی مصرع دوم به معنی قبر

پ) بگفت از سوز کمتر گوی با مور که موران را قناعت خوش تر از سوز **پروین اعتصامی**

سوز و مور جناس ناقص اختلافی یا ناهمسان اختلافی

ت) در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را مهر لب او بر در این خانه نهادیم **حافظ**

مهر و مهر جناس ناهمسان حرکتی

ث) زد به دلم در آتشی، عشق بتی که نام او زهره و آفتاب را زهره به آب می کند **نظامی**

زهره و زهره جناس ناهمسان حرکتی

ج) هر که گوید کلاغ چون باز است نشنوندش که دیده ها باز است **سعدی**

جناس همسان (تام) باز در مصرع اول نام پرنده شکاری و در مصرع دوم به معنی گشاده است.

چ) تا روانم هست نامت بر زبان دارم روان تا وجودم هست خواهد بود نقش در ضمیر **سعدی**

جناس همسان (تام)، روان اولی به معنی جان و روان دوم به معنی جاری

ح) غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حرص خویش **سعدی**

خویش اولی و در مصرع دوم به معنی خود - خویش دوم در مصرع اول به معنی «خویشاوند و قوم»

خ) آسمان صاف و شب آرام / بخت خندان و زمان رام / خوشه ماه فرو ریخته در آب / شاخه ها دست بر آورده به مهتاب **فریدون مشیری**

آرام و رام : جناس ناهمسان افزایشی

د) وه چه بیگانه گذشتی، نه کلامی نه سلامی نه نگاهی به نویدی، نه امیدی به پیامی **شفیعی کدکنی**

سلامی و کلامی: جناس ناهمسان اختلافی

ن) به ملک جم، مشو غره که این پیران رویین تن به دستانت به دست آرد، اگر خود پور دستانی **خواجوی کرمانی**

دستان: دست ها و دستان: لقب پدر رستم یعنی زال است: جناس تام یا همسان

ر) به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق مژه بر هم نزند، گر بزنی تیر و سنانش **سعدی**

جفا و قفا: جناس نامسان اختلافی

ز) مرا زمانه ز یارم به منزلی انداخت که راضی ام به نسیمی کز آن دیار آید **یغمای جندقی**

یار و دیار: جناس ناهمسان افزایشی

س) ای دلیل دل گم گشته، خدا را مددی که غریب از نبرد ره، به دلالت برود **حافظ**

دلیل و دلالت: اشتقاق

ش) ای بسا شاعر، که او در عمر خود، نظمی نساخت وی بسا ناظم، که او در عمر خود، شعری نگفت **محمد تقی بهار**

شاعر و شعر / نظم و ناظم: جناس و اشتقاق

ص) گر تیغ برکشد که محبان همی زخم اول کسی که لاف محبت زند، منم **سعدی**

زخم و زند: جناس و اشتقاق / محبان و محبت: اشتقاق

۲- برای هریک از انواع جناس از کتاب فارسی خود، نمونه ای بنویسید.

دانش آموزان عزیز! لطفاً خودتان زحمت بکشید از انواع جناس که در این درس خوانده اید در کتاب فارسی دهم بیابید و بنویسید.

کارگاه تحلیل فصل چهارم

۱- ابیات زیر را بخوانید و آنها را تقطیع کنید.

■ چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی **هاتف**

| | | | |
|-----------------|-------------|-------------|-------|
| پایه های آوایی | چشم دل با | ز کن کِ جان | بی نی |
| | آن چِ نا دی | دَ نی ست آن | بی نی |
| نشانه های هجایی | --U- | -U-U | -- |

■ ای مهر تو در دل ها وی مهر تو بر لب ها وی شور تو در سرها وی سر تو در جان ها **سعدی**

| | | | | |
|-----------------|---------|-------------|----------|--------------|
| پایه های آوایی | ای مه ر | تُ در دل ها | وی مُه ر | تُ بر لب ها |
| | وی شور | تُ در سر ها | وی سر ر | تُ در جان ها |
| نشانه های هجایی | U-- | --U | U-- | ---U |

■ آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟ بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا؟ **شهریار**

| | | | | |
|-----------------|-------------|-------------|--------------|---------|
| پایه های آوایی | آ مَ دی جا | نم بِ قر با | ن ت وَ لی حا | لا چ را |
| | بی وَ فا حا | لاکِ من اف | تا دِ ام از | پا چ را |
| نشانه های هجایی | --U- | --U- | --U- | -U- |

■ بیا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمائیم **مولوی**

| | | | |
|-----------------|-------------|-------------|-----------|
| پایه های آوایی | بِ یا تا قد | رِ یک دی گر | بِ دا نیم |
| | کِ تا نا گه | زِ یک دی گر | نَ ما نیم |
| نشانه های هجایی | ---U | ---U | --U |

■ کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ **فروغی بسطامی**

| | | | | |
|-----------------|----------|--------------|-------------|----------|
| پایه های آوایی | کی رف تِ | ای زِ دل کِ | تَ من نا کُ | نم تَ را |
| | کی بو دِ | ای نَ هُف تِ | کِ پی دا کُ | نم تَ را |
| نشانه های هجایی | U-- | U-U- | U--U | -U- |

آینه‌ار نقش تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست **نظامی**

| | | | |
|-----------------|------------|-----------|-----------|
| پایه های آوایی | آ ی ن ار | نق ش ت بن | مو د راست |
| نشانه های هجایی | خُد ش ک نا | یی ن ش کس | تن خ طاست |
| | - U U - | - U U - | - U - |

اگر پای در دامن آری چو کوه سرت ز آسمان بگذرد در شکوه **سعدی**

| | | | | |
|-----------------|---------|----------|---------|-------|
| پایه های آوایی | ا گر پا | ی در دا | م ناری | چ کوه |
| نشانه های هجایی | س رت زا | س مان بگ | ذ رد در | ش کوه |
| | -- U | -- U | -- U | -- U |

۲- نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو زبانی بررسی کنید.

جهانا چه بدمهر و بدخو جهانی
 به درد کسان صابری اندر و تو
 به هر کار کردم تو را آزمایش
 و گر آزمایش صد بار دیگر
 چو آشفته بازار بازارگانی
 به بدنامی خویش همداستانی
 سراسر فریبی، سراسر زبانی
 همانی همانی همانی همانی

منوچهری

بیت سوم استفاده از شیوه بلاغی / به کارگیری اندر» به جای «در» / کاربرد کلمه «بازارگانی» به جای «بازرگانی» / تکرار واژه «همانی»، استفاده از واژگان فارسی

۳- نمونه های زیر را از نظر ویژگی های سبکی بررسی کنید.

الف) شیخ ما را گفتند: «که فلان کس بر روی آب می رود». گفت: «سهل است چغزی و صعوه ای نیز بر روی آب می رود». گفتند: «فلان کس در هوا می پرد». گفت: «زغن و مگس نیز در هوا می پرد». گفتند: «فلان کس در یک لحظه از شهری به شهری می رود». شیخ گفت: «شیطان نیز در یک نفس از مشرق به مغرب می رود. این چنین چیزها را چندان قیمتی نیست. مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخشبد و بخرد و بفروشد و در بازار در میان خلق، ستد و داد کند و زن خواهد و باخلق درآمیزد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.»
 «اسرارالتوحید، محمدبن منور»

سطح زبانی: به کارگیری لغات مهجور و کهنه «زغن، بخشبد و در آمیزد» / آوردن «را» به معنی حرف اضافه «شیخ ما را گفتند» / کاربرد جملات کوتاه و کامل به ویژه در دو جمله پایانی / استفاده از واژه های عربی چغز، صعوه و ... / زن خواستن به جای ازدواج کردن و زن گرفتن

سطح ادبی: یک نفس: مجاز از لحظه و زمان اندک / تکرار واژه ها: فلان، هوا، گفتن و ... / مراعات نظیر: مشرق، مغرب و بخرد، بفروشد، داد و ستد و بازار

■ **سطح فکری:** مردان خدا و افراد با ایمان کسانی هستند که در میان مردم زندگی می کنند و هیچ وقت از یاد خدا غافل نیستند.

ب) زیرک گفت: آورده اند که زغنی بود، چند روز بگذشت تا از مور و ملخ و هوام و حشرات که طعمه او بود، هیچ نیافت که بدان سدّ جوعی کردی. یک روز به طلب روزی برخاست و به کنار جویباری چون متصیّدی مترصد بنشست تا از شبکهٔ ارزاق شکاری درافکند. ناگاه ماهی ای در پیش او بگذشت، زغن بجست و او را بگرفت، خواست که فرو برد؛ ماهی گفت: تو را از خوردن من چه سیری بود؟ لیکن اگر مرا به جان امان دهی هر روزه ده ماهی از برف دی موی سپیدتر و پاکیزه تر بر همین جایگاه و همین ممر بگذرانم تا یکایک می گیری و به مراد دل به کار می بری و اگر واثق نمی شوی، مرا سوگندی مغلّظ ده که آنچه گفتم، در عمل آرم. زغن گفت: بگو به خدا، منقار از هم باز رفتن و ماهی چون لقمهٔ تنگ روزیان در آب افتادن یکی بود.

چرخ از دهنم نواله در خاک افکند دولت قدحم پیش لب آورد و بریخت

و او خایب و نادم بماند. «مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی»

■ **سطح زبانی:** به کار بردن شعر در میان نثر / به کار گیری فراوان از واژگان عربی: هوام، متصیّد، مغلّظ جوع، ممر و... / آوردن ب بر سر فعل: بگرفت / آوردن «آنچه» به جای «آن چه» / می گیری و می بری، «می» اخباری به جای «ب» مضارع التزامی /

■ **سطح ادبی:** استفاده از آرایه های ادبی: تشخیص و استعاره در بیت پایانی / به کار بردن تشبیه: شبکهٔ ارزاق :، اضافه تشبیهی، ماهی چون لقمهٔ ...، ماهی چون برف دی

■ **سطح فکری:** رواج نثر داستانی و اشاره به نقش حيله و تفکر و چاره سازی در رستن از بلایا / او در بیت نیز به نقش مقدر بودن روزی اشاره دارد .

۴- انواع جناس را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم / دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم **حمید سبزواری**

باره و خاره: جناس ناهمسان اختلافی / خار و خاره: جناس ناهمسان افزایشی

ب) ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم / پیغام دوستان برسانی بدان پری **سعدی**

پری یعنی پرواز کنی و پری مصرع دوم یعنی زیبارو : جناس تام یا همسان

پ) چو شد روز، رستم بپوشید گبر / نگهبان تن کرد بر گبر ببر **فردوسی**

گبر و ببر: جناس ناهمسان اختلافی

ت) اگر تو فارغ از حال دوستان یارا / فراغت از تو میسر نمی شود ما را **سعدی**

فارغ و فراغت: اشتقاق / ما و را: جناس ناهمسان اختلافی

ث) من که باشم در آن حرم که صبا / پرده دار حریم حرمت اوست **حافظ**

حریم و حرمت: اشتقاق / حرم و حریم: جناس ناهمسان افزایشی و اشتقاق

ج) صبا خاک وجود ما، بدان عالی جناب انداز / بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم **حافظ**

نظر و منظر: جناس ناهمسان افزایشی و اشتقاق

ج) من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم که چون فرهاد باید شست، دست از جان شیرینم **سعدی**

شیرین مصراع اول به معنی نام زنی و در مصرع دوم به معنی گوارا: جناس تام یا همسان

۵- الگوی حروف قافیه را در ابیات زیر بنویسید

الف) پرسیدم از هلال که قدت چرا خم است؟ گفتا خمیدن قدم از بار ماتم است **فدایی**

است: ردیف / خم و ماتم: واژه های قافیه / حرف اصلی: م / قاعده ۲

ب) بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت **سعدی**

ردیف: — / واژه های قافیه: اردیبهشت و خشت / حروف قافیه: شت / قاعده ۲

پ) بوی بهار آمد، بنال ای بلبل شیرین نفس ور پای بندی هم چو من، فریاد می خوان از قفس **سعدی**

ردیف: — / واژه های قافیه: شیرین نفس و قفس / حروف قافیه: س / قاعده ۲

ت) صد شکر گویم هر زمان هم چنگ را هم جام را کاین هر دو بردند از میان هم ننگ را هم نام را **قآنی**

ردیف: را / واژه های قافیه: جام و نام / حروف قافیه: ام / قاعده ۲

ث) چو شد روز رستم بیوشید گبر نگهبان تن کرد بر گبر ببر **فردوسی**

ردیف: — / واژه های قافیه: گبر و ببر / حروف قافیه: بر / قاعده ۲

«پایان»